

دست آل سعود از حرمین شریفین باید کوتاه شود.
مکّه و مدینه باید بدست علما و نمایندگان مردم
مسلمان اداره شود.

تحلیلی از حج خونین پیام امام

مراسم حج مسلمانان انقلابی ایران، سال بسال رنگینتر و با معنی تر و پرمحتواتر، و به مفهوم واقعی حج، و اهداف خدایی آن نزدیکتر می گردد. صفوف منظم برائت از مشرکین هر سال فشرده تر از سال قبل و فریاد مرگ بر آمریکا و اسرائیل حجاج، بلندتر و گیراتر می شود و به مسلمانان جهان آگاهی بیشتری دهد.

اما حج امسال، از هر لحاظ بر سالهای گذشته برتری داشت آوازه اش جهانگیر گشت و همه مسلمانان و حق طلبان جهان را تکان داد.

حج امسال، حتی خون آلود و رنگین از خون مظلومان بود. حج امسال روشن کرد که انقلاب اسلامی ایران تنها در مرزهای نزدیک و در جبهه های جنگ تحمیلی عراق شهید نمی دهد و خون جوانان، ما تنها در صحنه های نبرد بر زمین نمی ریزد که در سرزمین امن خدا جایی که قرآن فرموده است: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» در حرم امن الهی و در کنار کعبه خانه ناس جایی که: «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِي...» در آن جا نیز بر خاک می ریزد.

حج امسال، روشن کرد که رژیم سعودی دوشادوش سربازان علفی بعضی، با ما می جنگیده و اینک این جنگ را به داخل عربستان و خانه خدا کشانیده است.

حج امسال، یک حقیقت مکتوم و سربه مهر را برملا ساخت و آن این که مسلمانان نه تنها باید برای نجات قدس، قبله اول اسلام تلاش کنند، که قبله دوم، کعبه شریف نیز در اسارت و اشغال بیگانه است و باید آن را نیز از اسارت برهانند.

بلی قبله اول مسلمانان در چنگال صهیونیستها و قبله دوم در چنگال آل سعود وهابی مسلک گرفتار است. اما این ظاهر امر است، در حقیقت هر دو قبله، در چنگال آمریکای جهانخوار است. معلوم شد که صهیونیسم و سعودیسم پشت و روی یک سکه تقلبی هستند و این دو رژیم به منزله دو چنگال امریکایند، همان طور که اعتاب مقدسه معصومان اسیر چنگال دیگر امریکا، یعنی صدام علفی است.

امریکا که به حق میراث خواب استعمار لقب گرفته، جانشین انگلیس در این مناطق است. انگلیس این سرزمینها را از خلافت عثمانی جدا کرد و پس از چندی به امریکا سپرد. امریکا، غول خون آشامی است که این منطقه را یک بدین چنگ و یک بدان چنگال و یک به دندان گرفته است.

امریکا اینک ذات القبلتین و ذات الحرمین است. آل سعود که از سال گذشته خود را «خادم الحرمین» لقب داده، در حقیقت غلام حلقه به گوش امریکا است. همان طور که اسراییل و صدام غلامهای دست به سینه او هستند.

مسلمانان اگر تا دیروز گمان می کردند باید برای رهایی قدس بکوشند امروز برایشان روشن شد که نجات قدس بدون نجات کعبه میسر نیست. انگلیس اول سرزمین حجاز و مکه و مدینه را به آل سعود بخشید آن گاه فلسطین و قدس را به اسراییل داد. معلوم شد که اشغال حجاز توسط آل سعود، مقدمه اشغال قدس توسط اسراییل و با کمک انگلیس و دیگر ابرقدرتها بوده است. و تا کعبه آزاد نشود قدس آزاد نخواهد شد.

اگر تا دیروز فریاد می زدیم «راه قدس از کربلا می گذرد» از این به بعد باید فریاد بکشیم: راه قدس از کربلا و کعبه می گذرد.

آل سعود، برای رژیم اشغالگر قدس از لحاظ نظامی سپربلا است و از لحاظ اقتصادی نیز پشتوانه مالی است. ثروتهای کلان طلای سیاه و سرخ سرزمین عربستان ظاهراً در دست و در اختیار خاندان مزدور آل سعود، و در واقع در چنگال امریکا و اسراییل است. این ثروتهای شریان حیات استعمار غرب در منطقه است همه نیازهای استعمار را همین دلارهای نفتی برمی آورد و همه قیامهای آزادی خواهانه و انقلابهای راستین منطقه را، پول و نفوذ آل سعود و شمشیر و توپ و تفنگ اسراییل و صدام علفی سرکوب می کند.

نهضت مصر را دلارهای سعودی و سلاح امریکا و اسراییل و نفاق صدام خنثی کرد.

از روز نخست، سیاست و شیطنت شیطان بزرگ امریکا و پول سعودی سلطان نفتی خاورمیانه که در اختیار صدام و دیگر ایادی پیدا و ناپیدای امریکا قرار می گیرد، انقلاب اسلامی ایران را رنج می دهد.

همه می دانند که تنزل بهای نفت جز با تسلیم آل سعود در برابر امریکا غیرممکن بود و کوششهای کشورهای صادرکننده نفت اوپک، که به ابتکار ایران در جهت بالا بردن بهای نفت و پایین آوردن میزان صادرات نفتی به عمل می آید، با اخلال آل سعود بی اثر می شود! و گرنه، امریکا قادر نبود با تنزل بهای نفت به ما ضربه اقتصادی بزند. همان طور که صدام و حزب بعث علفی هم

بدون دلارهای نفتی و عطایا و کمکهای بلاعوض آل سعود و کویت، نمی توانست تاکنون در برابر سپاه اسلام مقاومت نماید.

همه می دانند دلارهای آل سعود و امیرکویت، آن همه سلاح مخرب را به دست عفرقیان بعثی داده است. پس ما نه امروز در کنار کعبه، که از روز نخست جنگ، از دست آل سعود سیلی می خوریم.

ابعاد مختلف نبرد آل سعود با اسلام

نبرد آل سعود با اسلام راستین و انقلاب اسلامی، ابعاد گوناگون دارد و آن رژیم منفور و مزدور در ابعاد مختلف با اسلام و انقلاب اسلامی در سرتاسر جهان اسلام، در جنگ است.

اول بعد اقتصادی. همان طور که گفته شد ثروتهای کلان و بی حساب این سرزمین، در راه اهداف استعماری و ضد اسلامی و در جهت ناکامی و ورشکستگی اقتصاد ما و دیگر مسلمانان به کار گرفته شده است.

دوم، بعد سیاسی. اهل اطلاع می دانند آخرین پایگاه سیاسی مستقل اسلام، که با همه ضعفا و ناتوانیهایش، در برابر استعمار اروپا ایستادگی می کرد، خلافت عثمانی بود. اولین صدای مخالف برای نابودی این خلافت، در قرن ۱۲ هجری - از حلقوم همین خاندان آل سعود - در ناحیه نجد جزیره العرب - بیرون آمد. این خاندان که قبلاً امارت محلی کوچکی را برعهده داشتند، با پشتوانه عقیده وهابیگری و توأم با نیرنگهای پیراستمار یعنی، انگلیس، تدریجاً به پیشرفت خود ادامه دادند تا آن که بر تمام شرق جزیره العرب و اخیراً - در نیمه های قرن ۱۴ هجری - بر بخش مهمی از جزیره العرب استیلا یافتند و همه جا انگلیس پشت سر آنان ایستاده بود.

انگلیس، حرمین شریفین را، با موقعیت حساس و مرکزیت مذهبی اش در میان مسلمانان، و سرزمین جزیره العرب را با گنجهای سربه مهر و پنهان طلای سیاه و سرخش، به دست آن غلامان حلقه به گوش سپرد تا در راه اهداف استعماری و ضد اسلامی انگلیس و بعداً آمریکا و اسرائیل به کار رود، و از قداست و احترام حرمین، در نظر مسلمانان، استفاده ببرد و به علاوه مرکز اصلی اسلام و قبله مسلمین را برای همیشه در اختیار داشته باشد.

انگلیسها، باروی کار آوردن آل سعود و هابی مسلک، با یک تیر چند نشان زدند:

۱ - تضعیف خلافت عثمانی که به عنوان خادم الحرمین و کلیدداران کعبه شرعیت خود را به اثبات رسانیده بودند و سرانجام به انقضای خلافت عثمانی منجر شد و زمینه مساعدی برای تشکیل دولت اسرائیل غاصب فراهم آمد زیرا با وجود خلافت عثمانی این کار عملی نبود.

۲ - در اختیار گرفتن آن سرزمین مقدس با مرکزیت اسلامی و خزاین گرانبهای نفتی، و این که هروقت بخواهند از اجتماع بیش از یک میلیون مسلمان، که برای انجام فریضة عبادی، سیاسی حج بدان جارفته اند، مانع شوند تا مبادا کوچکترین برخوردی با دولت غاصب اسرائیل پیدا کنند، یعنی همان چیزی که امروز مشاهده می‌کنیم.

۳ - مرکزیت دادن پوشالی اسلامی به آن خاندان، در راه اهداف استعماری که بعد بیان خواهد شد.

۴ - قبور مبارک ائمه بقیع، صحابه و تابعین، قُراء و خویشاوندان رسول اکرم (ص) و قبور عمّات النبی، زوجات النبی عمّ النبی و دیگران را با خاک یکسان کردند و اگر از ترس مسلمانان نبود مرقد مطهر رسول اکرم (ص) را نیز ویران می‌کردند، کما این که قبور شهدای بدر و أحد و دیگر شهدای صدر اسلام را که در آن ناحیه بود از میان بردند. فرقه وهابی در نظر دارد آثار اسلامی اولیا، علما و بزرگان اسلام را در سراسر جهان پهناور در اسلام از میان ببرد. در همین سالهای اخیر بی سروصدا قبر مقدس «عبدالله» پدر رسول اکرم (ص) که در یکی از کوچه‌های اطراف مسجد نبوی باقی مانده بود و خود آن را زیارت کردم به بهانه توسعه اطراف مسجد، از بین بردند. گفته می‌شود قصد دارند با توسعه مسجد، آثار بجای مانده بقیع را به کلی نابود کنند.

پس، استعمار برای نابودی دین اسلام می‌خواهد این قبور و بقاع مقدس را با همه خطرات مقدس آنها، از دیده و دل مسلمانان اعم از شیعه و سنی محو کند.

۵ - انگلیس به استفاده غیرمستقیم دیگری هم دست یازید که برای ضبط در تاریخ، در این جا یاد می‌کنیم و آن روی کار آوردن غلام حلقه به گوش دیگری به نام رضاخان قلدر- با همه کارهای ضد اسلامی اش- در ایران بود.

پدر من که واعظ معروف عصر خود در مشهد مقدس بود نقل می‌کرد، مقارن با آغاز قدرت رضاخان، گاه بگاه خبر خرابی قبور ائمه بقیع بر سر زبانها می افتاد. یک روز عصر، وارد مسجد جامع گوه‌ر شاد شدم، دیدم داشها و سردسته‌ها که معمولاً در آن هنگام از عمال حکومت بودند، دارند مسجد را سیاهپوش می‌کنند از یکی پرسیدم چه خبر است؟ گفت فرمودند: به لحاظ خراب شدن قبور ائمه بقیع، مسجد را سیاهپوش کنیم، غوغایی بر پاشد جمعیت بی شماری گرد آمدند، سخنرانان داد سخن دادند.

پس از سه روز باز وارد مسجد شدم دیدم، پوششهای سیاه را جمع می‌کنند، از همان شخص پرسیدم چرا جمع می‌کنید؟ گفت فرمودند، بس است. چند روز پس از این واقعه، در روزنامه‌ها باعکس و تفصیلات، مراسم مسجد گوه‌ر شاد را منعکس کرده بودند، به این عنوان: که مردم مشهد

در مسجد جامع گوهرشاد گرد آمده‌اند و می‌گویند ما «احمدشاه» را نمی‌خواهیم «رضاخان سردار سپه» رامی‌خواهیم، اتفاقاً پس از مدتی معلوم شد اصل آن خبر دروغ بوده، و قبورائمه خراب نشده است. سال بعد باز شایع شد که قبورائمه را خراب کرده‌اند این دفعه مردم باور نکردند و گفتند دروغ است و عکس‌العمل چندانی نشان ندادند ولی بعداً معلوم شد که راست است. این هم یک یا چند سوء استفاده دیگر.

باری، در بعد سیاسی، انگلیس، برای خوش خدمتی خانواده آل سعود آن سرزمین پهناور را که از ایران هم وسیع‌تر است و قبلاً بخشهای آن به نام حجاز، نجد، یمانیه و جز آن نامیده می‌شد همه را یکجا به نام آنان کرد و آن را «عربستان سعودی» یا به قول خودشان «المملکه العربیه السعودیه» نامید. همان گونه که بخشی از فلسطین را از بدن اصلی «فلسطین» جدا کرد و به نام خاندان مزدور دیگری - که پیش از آل سعود برحرمین شریفین فرمانروایی داشتند، و آنان نیز به عنوان وحدت سرزمینهای عربی و تشکیل کشور واحد عربی علیه خلافت عثمانی قیام کردند- یعنی، خاندان شریف علی و فرزندان شریف حسین، «اردن هاشمی» نامید.

گویا این سرزمینهای متصل به هم و سیربلای اسرائیل، ملک طلق این دوخاندان منفور و تحمیلی است.

همه می‌دانند این خاندان دوم، در قرن اخیر چه خدماتی که به استعمار نکرده‌اند! و اینک وارث منحصر به فرد این خاندان «شاه حسین اردنی» به گفته امام، «دلال دوره گرد استعمار» است که با رفت و آمدهای خود به مناطق عربی و کشورهای استعمارگر جهان، هزینه ساز و برگ جنگی صدام را از آل سعود و امیرکویت و شیوخ خلیج فارس گدایی و حمایت ابرقدرتها را از صدام جانی جلب می‌کند. همان طور که در کنار صدام، پشت توپهای دورزن ایستاد و فرمان شلیک صادر کرد.

سوم، بعد عقیدتی و مسلکی.

همان طور که اشاره شد این خاندان، با پشتوانه عقیده خاصی به نام وهابیت کار خود را آغاز کردند و هم اکنون نیز حامی آن عقیده هستند. در این جا فرصت بسط کلام درباره این مسلک نیست. اجمال مطلب آن که در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری، مردی در شام به نام: ابوالعباس تقی الدین احمد بن عبدالحلیم حرّانی دمشقی معروف به «ابن تیمیه» (۶۶۱ - ۷۲۸ هـ) که در کودکی همراه پدرش از شهر «حرّان» به «دمشق» آمده بود، به نام مبارزه با خرافات و بدعتها قیام کرد و کلیه مذاهب اسلامی را به لحاظ بدعتهایی که از نظری نهاد بودند، مورد انتقاد

قرار داد، و در شام و مصر و برخی از بلاد دیگر غوغایی پیا کرد و با پشتکار خستگی ناپذیری با بیان و قلم، به نشر افکار خود پرداخت و از میان شاگردانش کسانی شهرت یافتند و کار او را دنبال کردند و مسلک او را رواج دادند. وی با مسلک تصوف و عرفان - که در آن هنگام توسط: محی الدین عربی (م ۶۳۸هـ) و شاگردانش رواج یافته بود- و نیز با فلاسفه، متکلمان، فقهای مذاهب اهل سنت بخصوص با پیروان قیاس، و از جمله با شیعه، در افتاد و کتابهایی در رد این مذاهب نوشت از آن میان، بین او و علامه حلی دانشمند معروف شیعه (م ۷۲۶هـ) مباحثاتی واقع و کتابهایی رد و بدل شد. وی کتاب «منهاج السنة» را بر رد کتاب علامه «منهاج الکرامه» تحریر کرد و عقاید شیعه را به باد انتقام گرفت. چند بار از طرف حکام ابوبی در شام و مصر به زندان افتاد و سرانجام در زندان شام (قلعة دمشق) از دنیا رفت، در حالی که جمعیت انبوهی از مردم شام به حمایت از وی بازارها را تعطیل، و جنازه او را تشییع کردند.

از جمله سخنان وی آن بود که، بنای قبه و بارگاه بر روی قبور اولیا و توسل به آنان بدعت و بلکه شرک است. افکار وی کم و بیش در شام، عراق و مصر طرفدارانی پیدا کرد و گاه بگاه سروصدایی پیا می کرد تا این که در قرن ۱۲ هجری در نجد، عالمی به نام: محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶هـ) پیدا شد و این مسلک را تبلیغ کرد و آل سعود را که در آن ناحیه امارت محدودی داشتند پیرو خود نمود. از آن به بعد، آل سعود با همیاری وی و خاندانش که اینک به نام «آل شیخ» زمام روحانیت عربستان را در دست دارند، به بسط نفوذ خود ادامه دادند تا این که در اواسط قرن ۱۴ هجری قمری، با حمایت انگلیس، بر سراسر آن سرزمین، از جمله حرمین شریفین طی جنگهایی مسلط گردیدند.

محمد بن عبدالوهاب (که وهابیت از نام او گرفته شده، هر چند خودشان از این عنوان نفرت دارند) پیروان خود را «اهل توحید» می نامید و گاهی صریحاً سایر مسلمانان را مشرک می خواند. وی طی سفرهایی میان قبایل بدوی عربستان و نیز در سفری به شام و بصره به نشر افکار خود پرداخت. آل سعود از قبایل بدوی پیروان عبدالوهاب، سپاهی نیرومند گرد آوردند و به اطراف و اکناف جزیره حمله بردند و تا مرزهای شام و عراق پیش رفتند.

وهابیان، در سال ۱۲۱۵ یا ۱۶ هجری قمری به شهر کربلا هجوم آوردند، مردم شهر را قتل عام و خانه فقیه و مرجع معروف وقت، مرحوم سید علی طباطبایی صاحب کتاب «ریاض المسائل» (م ۱۲۳۱هـ) را اشغال کردند و قصد جان او را داشتند که خداوند او را به نحو خارق العاده ای نجات داد.

به حرم مطهر حسینی وارد شدند، اسبهای خود را در صحن مطهر بستند، ضریح حسینی را در داخل قبه شکستند و در بالای سر امام قهوه جوشانیده نوشیدند و به دیگران نوشانیدند. و انواع هتک

حرمیت و اسائه ادب را به آن آستانه مقدسه روا داشته و آن گاه از ترس مردم و دولت فرار کردند. طرز تفکر و هابیت، براساس یک نوع ظاهرگرایی و اخباریت، و جمود فکری و عدم تعمق در کتاب و سنت، و عدم توجه به ارزشهای عقلی و اصول علمی مبتنی است. هرچند مذهب اشعری پیش از آن تاحدودی همین رویه را دنبال می‌کرد و اشاعره همواره در برابر عقلیون و عدلیون صف آرایی داشتند، اما مسلک وهابی با گرایش به روش حنبلی در این راه افراط کرده است، مسلمانان را از به کار بردن منطق و اندیشه آزاد و بینش و تعمق عقلی درنصوص کتاب و سنت، و به کار بستن قواعد اصولی در اجتهاد و استنباط احکام، و استفاده از آرای محققان، و ارج نهادن به اجتماعات و شهرتهای موجود در مسائل فقهی، و بالاخره از هرنوع استدلال عقلی در عقاید و در زمینه احکام فرعی باز می‌دارد، و این خطر را دست کم نباید گرفت. جمود فکری و ظاهرگرایی، و نسنجیدن ظواهر کتاب و سنت با موازین عقلی، در طول تاریخ، ضربه‌های کاری به اسلام و مسلمانان، وارد آورده است و غالباً حکومت‌های اسلامی بخصوص سلسله اموی از این روش فکری حمایت می‌کرده‌اند از جمله پذیرش‌های این عقیده، اعتقاد به جبر است که بنی امیه از آن سوءاستفاده می‌کردند، و حکومت خود را براساس تقدیر الهی مشروع و مورد رضایت خدا می‌دانستند و میان تقدیر و تشریع خلط می‌کردند.

و اینک آل سعود، با تکیه بر این مسلک، پرچمدار این طرز فکر در جهان اسلام است و از میان سلسله‌های گذشته حکام اسلامی، بیش از همه به سلسله اموی گرایش دارند.

این بعد عقیدتی، طبعاً یک بعد سیاسی خطرناک را هم به دنبال دارد، و آن این که: ولی امر و خلیفه و پادشاه، نماینده خدا و مجری قضا و قدر او است و هر چه بکند مورد تقدیر و امضای الهی است و مردم جز تسلیم و رضا در برابر حکام خونخوار، نه، چاره‌ای دارند و نه حق عیبجویی و اعتراض.

همین مایه فکری است که هواخواهان آل سعود، با علم به این که آنان، اموال بی شمار مسلمانان را در بسط قدرت و ارضای شهوت خواهشهای خود صرف می‌کنند و بیش از هزار شاهزاده شهوتران و وابستگان این خاندان علاوه بر خرجهای بی حساب روزمره، بانکهای اروپا و آمریکا را از دلارهای نفتی خود پر کرده‌اند و سرمایه هر کدام سربه میلیونها دلار می‌زند، در عین حال این هواخواهان به خود، حق هیچ گونه اعتراض را نمی‌دهند، زیرا تقدیر و رضای الهی بر این منوال جاری شده است.

حتی برخی از تیره‌های اخوان المسلمین که در اصل مسلکی ضد استکباری و استعماری بوده است، به لحاظ گرایش فکری به مسلک وهابیت، و وابستگی اقتصادی به آل سعود به هیچ وجه

در مجلات و مقالات و کتابهای خود، از این رژیم طاغوتی انتقاد نمی‌کنند. گویا مقام خلافة اللہی آنان و حمایتشان از سنت نبوی و قیامشان در برابر بدعتها (به عقیده آنان) حریمی از عصمت وهاله‌ای از قد است به دور آنان کشیده است.

تبلیغات و پولهای آل سعود، هم اکنون در کشورهای اسلامی، حامیانی به نامهای «انصارالسنه» «سلفیه» (یعنی پیروان سلف صالح و صحابه و تابعین) و «اهل حدیث» برای ایشان فراهم کرده است که از آن رژیم حمایت می‌نمایند، و در آثار و مجلات و نیز در دانشگاهها و مراکز تحقیقی خود - که همه با پول آل سعود اداره می‌شود - برای آن رژیم آبرو به جا می‌کنند.

باری، در بعد عقیدتی، مملک وهابی گری، مسلمانان را به جمود و رکود فکری و سکوت و تسلیم سیاسی سوق می‌دهد و به همین جهت استعمار انگلیس در گذشته، و اینک امریکا از آن حمایت کرده و می‌کند و دست او را در همه کشورهای اسلامی باز گذاشته‌اند. دولتهای اسلامی دست‌نشانده بیگانه هم به هواخواهان سعودی اجازه تبلیغ می‌دهند، درحالی که غالباً چنین اجازه‌ای را به طرفداران انقلاب اسلامی ایران نمی‌دهند و بالاخره خطر آل سعود، خطر امریکایی کردن اسلام است و حکومت آل سعود پشتوانه اسلام امریکایی است که نقطه مقابل اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی است.

مرکز تحقیقات کاپتور علوم اسلامی

اما بعد چهارم، بعد تبلیغی

در بعد تبلیغی، ضدیت با انقلاب اسلامی است که طرفداران زرخیر آل سعود در کشورهای اسلامی از جمله در مصر، پاکستان و هند، سدی در قبال صدور انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند، بسیاری از علما و وعاظ این کشورها را، سعودیها خریده‌اند و غالباً زمام تبلیغات را در دست دارند. در کشورهای غیراسلامی، اروپا و امریکا و افریقا نیز اقلیتهای اسلامی غالباً از لحاظ سازو بزرگ تبلیغی وابسته به کشور سعودی! هستند، با پول آنان، مسجد و مدرسه و کتابخانه و مرکز تحقیقات تأسیس می‌کنند و کتاب و مجله نشر می‌دهند.

این مؤسسات با برنامه‌های حساب شده و منظمی علیه جمهوری اسلامی ایران و شیعه سمپاشی می‌کنند و اذهان عموم را مشغول می‌سازند. گاهی اهل سنت را از شیعه‌گرایی انقلاب اسلامی می‌ترسانند و می‌گویند این یک انقلاب شیعی است و ربطی به اسلام ندارد، و عجیب است که گاهی همین قبیل مبلغان درباری در میان شیعیان عکس این را تبلیغ می‌کنند که انقلاب اسلامی سنی گراست. به استنباط بنده این هر دو صدا با سلسله مراتب در اصل، از یک حلقوم بیرون می‌آید و آن حلقوم امریکا است. پولهای سعودی هم به احتمال قوی به هر دو گروه مدد می‌رساند و

این احتمال را - هرچند ضعیف باشد - باید جدی گرفت و دنبال کرد. در پاکستان و هند مؤسسات و آخوندهای طرفدار آل سعود در کتابهایی که نشر می دهند، شیعه را به عقیده تحریف قرآن و قبر پرستی متهم می کنند.

در سفری که چند ماه پیش از این به هند داشتم صف آرای طرفداران سعودی و مخالفان آنان را در میان اهل سنت مشاهده کردم. معلوم شد مخالفان وهابیت، همان حامیان اصلی مذاهب اربعه سنت و کسانی هستند که گرایش به تصوف و عرفان دارند همان چیزی که وهابیت سخت با آن مخالف است. در یک دانشگاه و حوزه علمیه اهل سنت، در شهر حیدرآباد که با تهیدستی و فقر اداره می شود به ما گفتند سعودیها حاضرند به ما کمک کنند اما ما از آنها پول نمی گیریم زیرا آنان با اسلام منحرف می دانیم ولی اگر شما (یعنی جمهوری اسلامی) به ما کمک کنید، می پذیریم. این نکته ای است که مسؤولان امر تبلیغ، در خارج کشور، باید حداکثر استفاده را از آن ببرند. حمایت بی دریغ جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان هند، در قتل عام چند ماه قبل که همزمان با سکوت محافل اسلامی، طرفدار سعودی هند بود بنا به گفته یکی از مسؤولان ایران در هند، اثر قابل توجهی داشته است و بگفته وی، زحمات و خرجهای چهل ساله سعودیها را بر باد داد، زیرا مسلمانان هند پی بردند که وهابیان مانند اصل رژییم سعودی، مسلمانان پوشالی هستند و هرچه استعمار بخواهد همان را انجام می دهند، و آنان حامیان واقعی اسلام نیستند، برعکس جمهوری اسلامی که بی باک و بی ملاحظه از روابط دیپلماتی، از آن مظلومان حمایت کرد، و علمای شیعه و اهل سنت طرفدار ایران، در برابر آن جنایت، مقاومت از خود نشان دادند و حتی به زندان افتادند.

حج خونین

آنچه گفته شد حقایقی بود که تنها دست اندرکاران تبلیغات خارج کشور می دانستند این جانب به نوبه خود سالها بود که از این خط انحرافی عقیدتی سیاسی خطرناک، رنج می بردم و از سکوتی که همه جا را فرا گرفته بود تأسف می خوردم تا این که فاجعه حج خونین امسال همه چیز را روشن کرد و همه زبانها و قلمها را آزاد ساخت. و امام بزرگوار در بیانیه خود صریحاً این فرقه گمراه و رژیم جنایتکار آل سعود را رسوا کرد.

آری حج امسال، همه پرده ها را بالا زد، و همه حقایق را آفتابی کرد، گویا این هم یکی دیگر از لطاف خفیه الهی بود که با بهای خونهای پاک زایران خانه خدا، شامل حال انقلاب اسلامی گردید و معلوم شد که رژیمهای آل سعود و اسرائیل و صدام هر سه فرزند نامشروع یک پدر هستند، و کنار هم در برابر اسلام و انقلاب اسلامی ایستاده اند. و آل سعود هم مانند جنایتکاران

اسرائیل و صدامیان عفلقی، از هیچ جنایتی شرم ندارند و اگر اسرائیل سالهاست که بر سر آوارگان فلسطینی و لبنان بی پناه، بمب خوسه ای می ریزد، و اگر صدام، سالهاست که بر سر مسلمانان انقلابی ایران و اکراد عراق آتش می بارد، آل سعود هم بر سر آن مظلومان بی دفاع، سنگ و چوب و تیر و گلوله و بمب سستی می فشاند و همان طور که خون پاک حسین و فرزندانش، بنی امیه را رسوا کرد خون این شهیدان هم آن رژیم طاغوتی و تحمیلی را مفتضح و رسوا خواهد کرد (ولتعلمن نبأه بعد حین)

این پیروان ابوسفیان و ابولهب، روی آنان را سفید کردند، معلوم شد که اگر آل سعود بازارها و خیابانهای مکه شریف را به نام ابی سفیان و ابی لهب نامگذاری کرده اند راه و رسم آنان را نیز در ضدیت با اسلام دنبال می کنند. معلوم شد که این خادمان قلابی حرمین، هیچ حرمتی برای حرمین قایل نیستند آنان در واقع «خائن الحرمین اند نه خادم الحرمین».

باری، حال که این فرصت، با قیمت خون حندها شهید و مجروح و مفقود به دست آمده است، لازم است همه مسلمانان جهان، بلکه همه جهانیان را از ماهیت شیطانی این رژیم منحوس و این مکتب انحرافی که خود را پرچمدار اسلام معرفی کرده است، آگاه ساخت، و این لکه ننگ را از دامن اسلام زایل کرد.

پیداست که کسی و دولتی جز نظام انقلاب اسلامی قادر نیست به طور پوست کنده و عریان از این قوم سخن بگوید اینک جهان، گوش و دل خود را برای شنیدن و فهمیدن باز کرده، حرمت خون آن مظلومان هم ما را برای گفتن و نوشتن موظف و مکلف ساخته است. این گوی و این میدان...

باید بگوییم، بنویسیم و ترسیم کنیم: در پرده ها و تابلوها، در مساجد و تکایا و بازارها، در مدارس و دانشگاهها، در مجلات و روزنامه ها و کتابها، در مراسم عزاداری و میدانهای ورزش و سالنهای سخنرانی، در رادیو و تلویزیون و سینماها، در شعر و نثر و خطبه و درس و در رزم و بزم... قتل عام حجاج ایرانی به دست آل سعود، همزمان با تجمع کشتیهای جنگی امریکا و متحدانش در خلیج فارس، بعد سیاسی فاجعه را تفسیر می کند. مسلماً اگر دلگرمی آل سعود به این نیروها نبود جرأت چنین جنایتی را نداشتند، این عمل ننگین، در حقیقت لبیک و پاسخ مثبتی است به حضور آن نیروها و به طور حتم، از پیش طرح ریزی و هماهنگ با آن گردیده است و ما باید در انتظار حوادث دیگری هم در ارتباط با آن در این منطقه باشیم، که حتماً از طرف امریکا و اماراتش طرح ریزی شده است و تدریجاً اجراء می شود.

تحلیلی از پیام امام

امتیاز دیگر حج خونین امسال، پیام مهم امام برای حجاج بیت الله الحرام است. پیامهای امام امت، هر سال، برای حجاج و همه شیفتگان اسلام و انقلاب، آموزنده و روشنگر و نسبت به دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی کوبنده و افشاگر بوده است. اما پیام امسال، مانند حج امسال، رنگ و بویی دیگر دارد، این پیام، خلاصه و فشرده اسلام و ابعاد گوناگون انقلاب اسلامی، و عصاره روح عرفانی والهی امام است. امام، با تمام وجود و آرمانهای خدایی خود این پیام را نوشته است و هیچ مهمی را در آن فروگذار نکرده است.

از عرفان و ولایت، تا قرآن و عترت و وحدت اسلامی، جهاد در راه خدا و شهادت، توطئه ابرقدرتها و اسرائیل و اعوان و انصار و اذئاب آنان در منطقه، و تجمع احزاب اهریمنی در خلیج فارس، حمایت از محرومان و مستضعفان جهان و مسلمانان دربند و مظلوم فلسطین، لبنان، آفریقا، افغانستان، هند و عراق، اقتصاد متین اسلامی در برابر مکتبهای سرمایه داری و کمونیستی، نقش روحانیت در همه این صحنه ها، بخصوص در دفاع از محرومان و قیام برضد مستکبران، وارستگی روحانیت راستین، و خطر روحانی نماها و علمای درباری، رسالت واقع حج و ابعاد برائت از مشرکان و طاغوتها و مستکبران جهان، راهپیمایی حج و رعایت نظم و وحدت، عظمت انقلاب اسلامی و توفیق پیشرفت آن در ابعاد گوناگون و صدور انقلاب، عظمت اسلام در جهان امروز و استقبال نسل جوان از اسلام راستین، نمایاندن چهره اسلام امریکایی، جنگ تحمیلی و انگیزه های شیطانی و علل تداوم آن از زمان طاغوت تا کنون، صلح تحمیلی و خطرات آن، حکام خلیج فارس و نقش آنان در جنگ...

هجرت الی الله و شهادت

اولین نکته در این پیام آن است که در آغاز آن آیه شریفه «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ...» بر قلم امام جاری شده که خود الهام گونه ای است از شهادتی که در انتظار حجاج بیت الله و اجر و پاداش تضمین شده آنان است.

عرفان، اخلاص، تقوا، شهادت

این معانی در اسلام از هم جدا نیستند، عرفان الهی، وارستگی و اخلاص عقیده و صدق نیت و صفای دل و تقوا، و این همه، تشنگی و عطش شهادت و فنای فی الله را به دنبال دارد، پیام امام

که جوشش و جهش و تراوش روح عرفانی اوست مالا مال از عرفان حق و اخلاص و عشق به شهادت است در سراسر آن نثار و ایثار و فداکاری در راه خدا موج می زند و دلها را به سوی معشوق سوق می دهد:

... خالقی که با جلوه سراسر نورانی خود عوالم غیب و شهادت و سروعلن را به نعمت وجود آراسته... و با ظهور جمیلش پرده از جمالش برافکنده... و وصول به کمالات و فنای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوک الی الله را گوشزد کرده... در آستانه عزیمت حجاج محترم ایرانی به سوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت الی الله و رسوله...

... خداوندا این نعمتهای بزرگ را از ما و ملت ما نگیر

خداوندا ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشنا فرما

خداوندا بر بندگی ما و خلوص ما و اظهار عجز و ذلت ما در برابر خودت بیفزا

خداوندا به ما توکل و صبر و مقاومت و رضا و توفیق جلب عنایت خود را کرامت فرما...

... زائران محترم مبدا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها به غرور و عجب گرفتار شوند...

و از شکر این نعمت بزرگ الهی که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران دینی است، غافل بمانند

... قلمها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی پایانی که نصیب عالیمان شده و می شود...

ملاک ارزش و برتری در نزد آنان، تقوا و سبقت در جهاد گردیده است...

... من خودم را خادم یک چنین ملتی می دانم و به این خدمت افتخار می کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین می دانم.

مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت و ایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره های فضیلت و تقوا دعوت نموده و در این فرصت، به همه مسؤولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست، و همین تقدم ارزشی الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن... و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط و مادی و نفسانی شود...

جهاد در راه خدا و خلق و مقاومت تا مرز شهادت

صفای دل و تقوی، و ارستگی نفسانی و کوشش در راه خدا و خلق تا مرز شهادت از نشانه های

مردان خدا و سالکان راه حق است:

... که مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم، به مقابله جدی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند.
... زائران عزیز، از بهترین و مقدس ترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد، به کعبه بالا تری رهسپار شوند، و همچون سید و سالار شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام، از احرام حج به احرام حرب، و از طواف کعبه و حرم، به طواف صاحب بیت، و از ترضوع زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند...

من خون و جان ناقابلِ خویش را برای ادای واجب حق، و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده ام، و در انتظار فوز عظیم شهادتم.

... ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی، که از روز نخست شروع مبارزه، و از پانزده خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده ایم، و به خوبی دریافته ایم که برای هدفی بزرگ، و آرمانی اسلامی الهی باید بهای سنگین پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری تقدیم کنیم...

تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خونهای هزاران شهید و مجروح... به دست آمده است
... یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می فشاریم، و یا همه به حیات ابدی و شهادت رومی آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می کنیم. ولی در هر دو حال، پیروزی و موفقیت با ماست و دعا را فراموش نمی کنیم...

... خدا را سپاس می گزاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و همه اقشار دلاور کشورمان، در آمادگی کامل به سر می برند، و همه اهل جنگ و هنرآفرینان مدرسه عشق و شهادتند...

... و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصره های جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ، تحمل می کنیم و از جنگ کردن در راه خدا خسته نمی شویم.

... و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار، بر بام شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه راه بیشتر می شود.

... الحمدلله این کشور رسول خدا امروز میلیونها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پروریده است، و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق، چیزی پرنخواهد کرد، و به همین جهت از بذل مال و جان فرزندان خویش در راه خدا لذت می برند.

... چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سرحد شهادت پیش رفته اند، و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دنیای حوادث و بلا زده اند، و زندانها و

شکنبه ها را به جان خریده اند...

... راستی وقتی پابرنه ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما، امتحان و تعبد خود را به احکام اسلامی تا سرحد قربانی نمودن چند عزیز و جوان، و بذل همه هستی خود داده اند، و در همه صحنه ها بوده اند و ان شاء الله خواهند بود، و سروجان در راه خدا می دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق، و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت، افتخار نکنیم من مجدداً می گویم که یک موی سر این کوخ نشینان و شهیددادگان به همه کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد. ... (خداوند!) در مسیر خدمت به بندگان ما را تا مرز قربانی خود و فرزندان و هستی مان، همراهی و مدد بنما...

... امت و ملت شهید داده ایران، گرچه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادث دیگر انقلاب، مظلومیتهای و سختیها و درد و رنجهای فراوان دیده است، و جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده است، ولی یقیناً وسعت مظلومیتهای و سختیهای که بر پیشوایان مارفته است، به مراتب بالا تر از مسائل ماست.

... خداوند! تو می دانی که فرزندان این سرزمین، در کنار پدران و مادران خود، برای عزت دین توبه شهادت می رسند، و بالبی خندان و دلی پر از شوق و امید، به جوار رحمت بی انتهای توبال و پرمی کنند.

... و دل مردم ما را که برای دین توشه و مفقود و مجروح و اسیر داده اند، و سختی هجران عزیزان را به عشق لقا و رضای تو کامل کرده اند، شاد فرما، و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما، و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم و ائمه هدی سیراب نما.

حمایت از محرومان و جهاد با مستکبران، دورکن اساسی است که در سراسر این پیام تاریخی به چشم می خورد، و از اهداف اصلی انقلاب اسلامی و همه انبیای الهی به شمار آمده است: ... کتاب کریمی که ما را از برخورد انبیای معظم الهی به مستکبران جهان و جهانخواران، در طول تاریخ آگاه نموده...

... و گامهای مستکبران لرزانتر، و رسوایی کاخ سیاه برملا تر، و پریشان گویی و دلهره کاخ نشینان افزونتر...

... و لازم است در این جوی که پیش آمده است مسلمین و مستضعفان جهان، آگاهانه از آن استفاده کرده، و جمیع فرق مسلمین و مستضعفان، دست در دست هم داده، خودشان را از قید اسارت ابرقدرتها خارج نمایند.

... فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه‌روزی آنان را زراندوزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند، و حریصانه از خون دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیسم مکیده، و شریان حیات اقتصاد و جهان را به خود پیوند داده‌اند، و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند...

... خداوند! بر ما مت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخ‌های ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان، در سراسر جهان گردان، و همه ملت‌ها را از ثمرات و برکات، وراثت و امامت مستضعفان و پابرنه‌گان برخوردار فرما.

... صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی‌کند که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود...

طرح اقتصاد اسلامی در برابر نظام

اقتصادی شرق و غرب. در دفاع از محرومان و ستیز با مستکبران بین‌المللی، حضرت امام، فرهنگ منحن و ظالمانه اقتصادی شرق و غرب را به یک نسبت و با هم محکوم کرده، تأکید خود را بر حمایت از محرومان جهان و نجات آنان از شر این دونهظام استکباری و طرح نظام اقتصاد اسلامی تکرار فرموده است:

و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علماء و فقهاء و روحانیت است مقابله جندی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب، و مبارزه با سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است، و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زورور پیوند خورده‌اند، و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصادی جهان از آنان، سلب شده است.

و علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصلخیز جهان، و آب‌ها و دریاها و جنگل‌ها و ذخایر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند، و کمونیست‌ها و زراندوزان و سرمایه‌داران، با ایجاد روابط گرم با جهان‌خواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند، و با ایجاد مراکز انحصاری و چندملیتی، عملاً نبض اقتصادی جهان را در دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بانگ‌داری را به خود منتهی نموده‌اند، و با القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده‌های محروم باورنده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده، و لا راهی برای ادامه حیات پابرنه‌ها جز تن دادن به فقر، باقی نمانده است، و این

مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان، در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند، و گروهی از پرخوری و اسراف در تعیشها، جانشان به لب آید.

به هر حال، این مصیبتی است که جهانخوران بر بشریت تحمیل کرده اند، و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریتها و وابستگی، به وضعیتی اسف بار گرفتار شده اند.

... که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم نا صحیح اقتصادی حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرهنه ها را ارائه دهند، و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت، در آورند.

البته پیاده کردن مقاصد اسلام... نیازمند به زمان باشد ولی ارائه طرحها و اصولا تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان، و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می رود.

سیاست گرایش به محرومان

واجتناب از به قدرت رساندن ثروتمندان. امام در جابه جای پیام خود خطر به قدرت رسیدن ثروتمندان در نظام جمهوری اسلامی و تحویل کارهای کلیدی و سیاست اقتصادی کشور را به دست آنان، گوشزد می نماید:

... و باید سعی شود تا از راه رسیده ها و دین به دنیا فروشان، چهره کفر زدایی و فقر ستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند، بلکه ننگ دفاع از مرفهین بی خبر از خدا را، بردامن مسئولین نچسبانند.

و آنهایی که در خانه های مجلل، راحت و بی درد آرمیده اند، و فارغ از همه رنجها و مصیبتهای جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابرهنه های محروم، تنها ناظر حوادث بوده اند، و حتی از دورهم دستی بر آتش نگرفته اند، نباید به مسئولیت کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یک شبه بفروشند، و حاصل همه زحمات ملت را برباد دهند، چرا که هرگز عمق راه طی شده را ندیده اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بی خبران، مشاهده نمودند، و از همه زجرها و غربت های مبارزان و التهاب و بی قراری مجاهدان، که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان، دل به دریای بلا زده اند، غافل و بی خبرند.

... و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال، در حکومت اسلامی هیچ امتیاز و برتری از این

جهت برفقرا ندارند و ابداً اولییتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلماً راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می‌کند.

و تذکر این مطلب، که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکّن مالی خود، نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشورهای اسلامی نفوذ کنند، و مال و ثروت خود را بهانه فخر فروشی و مباحات قرار بدهند و برفقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل دخالت دادن مردم در امور، و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی، و رفرار از تملق گوییها می‌گردد. و حتی بعضی از ثروتمندان را از این که تصور کنند که مال و امکاناتشان، دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست، متنبه می‌کند.

... خلاصه کلام، این که بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر، از آن

کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت...

و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام حکومت عدل، موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنگها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین. و در کنار مستمندان و پابرهنگها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قراردادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده، و عملاً به القاءات و شبهات منحرفین، خاتمه می‌دهد که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

و همچنین مسؤولین محترم کشور ایران، علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند، و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسؤولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور ما از رفاه و زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.

خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسؤولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و روآوردن و حمایت از سرمایه دارها گردد، و اغنیا و ثروتمندان، از اعتبار بیشتری برخوردار شوند.

معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست، حرمت و پاکی روحانیت از آن منزّه است و تا ابد هم باید منزّه باشد.

و این از افتخارات و برکات کشور ما و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابرهنگان برخاسته‌اند، و شعار دفاع از مستضعفان را زنده کرده‌اند.

... از آن جا که محرومیت زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ماست. جهان‌خواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند... از گرایش و روح اقتصاد اسلام، به طرف حمایت از پابرهنگان در

هراسند و مسلماً هر قدر کشورما به طوف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از مامقطع تر، و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می شود، و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند...

حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان و ستیز با ابرقدرتها و استعمارگران همان طور که امام، از محرومان کشور ایران دم می زند مسلمانان در بند سایر کشورهای اسلامی و بطور کلی مستضعفان جهان را مورد توجه قرار داده، و آن را از اصول اساسی انقلاب اسلامی دانسته و بخش وسیعی از پیام تاریخی خود را به این امر اختصاص داده است.

فلسطین و اسرائیل. همواره امام، زدودن لکه ننگ اسرائیل از دامن سرزمینهای اسلامی را از اهداف مقدس انقلاب اسلامی دانسته و آن اصل را زنده نگه می دارد که مبدا مسلمانان از آن غفلت نمایند و توطئه ها و سازشکاری و خیانت سران عرب و کشورهای اسلامی را نادیده انگارند: ... فریاد برائت ما فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای دیگری است که ابرقدرتهای شرق و غرب خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته اند و سرمایه آنان را به غارت برده اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده اند...

ملتهای مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران تنگین و خود فروخته ای که به نام فلسطین آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده اند به دنیا اعلام، نگذارند این خائنان برسر میز مذاکره ها رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را خدشه دار کنند. این انقلابی نماهای کم شخصیت و خود فروخته، به اسم آزادی قدس به آمریکا و اسرائیل متوسل شده اند.

عجبا، که هر روز که از فاجعه خونبار غضب فلسطین بیشتر می گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب، بیشتر و حتی از تبلیغ و شعارهای بیت المقدس هم خبری به گوش نمی رسد. و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران، که خود در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است، به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می زند و او را محکوم می کند، و حتی از این که یک روز هم به نام «قدس» برگزار شود وحشت نموده اند.

نکند که اینان تصور کرده اند که گذشت زمان، سیرت و صورت خیانتهای اسرائیل و صهیونیسم را دگرگون ساخته است، و گرگهای خون آشام صهیونیسم، از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای از نیل تا فرات، دست برداشته اند.

... مسؤولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملت‌های اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند، از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد صلی الله علیه وآله وسلم، و امکانات کشورهای اسلامی، باید استفاده کرد، و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب الله در سراسر جهان، اسرائیل را از گذشته جنایت‌بار خود پشیمان، و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از چنگالی آن خارج کرد.

و من همان گونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب، هشدار داده‌ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم، و مراتب حمایت بی دریغ خود و ملت و دولت و مسؤولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملت‌ها و جوانان غیور و مسلمان، در راه آزادی قدس اعلام می‌نمایم.

حزب الله لبنان و مسلمانان جهان. امام، از حزب الله لبنان، فلسطین، مردم مسلمان هند، افغانستان، آفریقا و جز آن حمایت بی دریغ خود را اعلام فرموده است.

... و از جوانان عزیز لبنان، که موجب سرافرازی امت اسلام، و خواری و ذلت جهان‌خواران گردیده‌اند تشکر می‌کنم و برای همه عزیزانی که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده با تکیه بر سلاح ایمان و جهاد، به اسرائیل و منافع آن ضرر می‌زنند، دعا می‌کنم. و اطمینان می‌دهم که ملت ایران، شما را تنها نخواهد گذاشت، برخدا توکل کنید، و از قدرت معنوی مسلمانان بهره بجوید، و با سلاح تقوا و جهاد و صبر و مقاومت، بر دشمنان حمله برید که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

... جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر و عمل به دستورات قرآن کریم، و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران، و اعلان جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم آفریقا... بوده است.

... و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب الله لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده‌اند.

... امروز دولت‌ها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند، و همچون دولت هند، مسلمانان بی گناه و بی پناه و آزاده را قتل عام می‌کنند.

... و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه و بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمانان و جهان سوم پیدا کرده‌اند خبر نداشته باشد.

امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستم‌گران و فریاد امتی است که

جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و اذناپ آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه اش به غارت رفته است.

افغانستان

... فریاد برائت ما فریاد ملت مظلوم و ستم کشیده افغانستان است. و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان، عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد. بارها گفته ام و اکنون نیز تذکر می دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید. مردم افغانستان، سرنوشت خودشان را تعیین نموده و استقلال واقعی خود را تضمین می کنند. و به ولایت کرملین یا قیمومیت آمریکا احتیاج ندارند.

مسلماً بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان به سلطه دیگری گردن نمی نهند و پای آمریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان را کرده باشد، می شکنند.

آفریقا: و نیز فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان آفریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ماست که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم سیه روزان بی فرهنگ نژادپرست را می خورند...

وحدت اسلامی در پناه قرآن و عترت

امام در این پیام راجع به وحدت اسلامی که یک اصل مسلم اسلامی است، بسیار تأکید دارد همان طور که هماهنگی قرآن و عترت را که اساس مذهب و انقلاب ماست بارها یادآور گردیده است و این دو اصل مهم را از هم جدا نکرده است که هرگز جدا شدنی نیستند. امام انقلاب اسلامی را انقلاب همه امت محمد و مقدمه ظهور منجی کل، و امامت مطلقه حق می داند:

قرآن و عترت... و کشور ولی الله الأعظم امام زمان ارواحنا لمقدمه الفداء

... و همه تیرها و کمانها و نیزه ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته اند. و هیئات که امت محمد و سیراب شدگان کوثر عشق و منتظران وارث صالحان، به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند.

و هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد و پیروان ابراهیم حنیف، ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.

... که ان شاء الله به خدا و رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام... وابسته اند.

... ولی با تمام این احوال ما افتخار می‌کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط بر سلاح ایمان و توکل برخدای بزرگ و دعای بقیة الله عجل الله فرجه... به پیروزی رسیده‌ایم...

... و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان ارواحنا فداء به این ملت...

... واقعاً پیغمبر اکرم و ائمة هدی در چه غربتهایی برای...

... و به یاری خدا راه را برای منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق، امام زمان ارواحنا فداء هموار می‌کنیم

... و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم و پیروی از ائمة هدی علیهم السلام اداره می‌شود.

... معاذ الله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمة معصومین علیهم السلام سازگار نیست.

وحدت اسلامی و قدرت مسلمانان در این پیام بارها بر وحدت اسلامی تکیه شده است و ما به نقل فرازهایی از آن بسنده می‌کنیم:

... جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر و عمل به دستورات قرآن کریم، و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان... بوده است

... که ان شاء الله با تحقق آن (سقوط صدام) در کنار کشورهای اسلامی سیاستی محکم و بنیادینی، برای همه کشورهای و ملت‌های اسلامی پایه‌ریزی شده است و در پرتو آن، منافع مردم از آفت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ خواهد ماند، و همه کسانی که به فکر تجاوز به حریم کشورهای اسلامی افتاده‌اند، از سرنوشت صدامیان عبرت می‌گیرند و خودشان را به خشم و غضب ملتها گرفتار نخواهند ساخت.

امروز، بدون شک سرنوشت همه امت‌ها و کشورهای اسلامی به سرنوشت مادر جنگ گره خورده است...

تجلی وحدت اسلامی در حج

... و یکی از فرصتهای مناسب و مغتنم برای روحانیون، ارتباط با صاحب نظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است، هر چند استکبار جهانی و یا سران بعضی از کشورهای اسلامی بشدت از این نوع ملاقاتها و رابطه‌ها بیمناک، و از آن جلوگیری و مراقبت می‌نمایند، ولی برنامه‌ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه‌ها و پیدا کردن

راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته های جمهوری اسلامی ایران بوده است...
... و حج بهترین میعاد گاه معارفه ملت های اسلامی است که مسلمانان، با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود، از سراسر جهان، آشنا می شوند و در آن خانه ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم خفیف است گرد هم می آیند و با کنار گذاشتن تشخصها و رنگها و ملیتها و نژادها، به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می کنند با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی را در سراسر جهان به نمایش می گذارند.

و مبادا... از شکر این نعم بزرگ الهی که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران دینی است، غافل بمانند. در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم بیعتها و پیوندهای دوستی و ارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنید، و حدیث انقلاب و لطف خدا را به آنان بازگو نمایید، و از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه های اسلامی شماست، و در هر سنگری علیه متجاوزان، در کنار شما ایستاده است و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما ان شاء الله دفاع خواهد کرد، و به آنان بگویید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران، متعلق به همه ملت های اسلامی است، و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران، در حقیقت دفاع از همه ملت های تحت ستم است و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکیم...

رسالت و روح حج. پیداست بخش اعظم پیام امام برای حجاج بیت الله در رابطه با حج است و اینک عبوری بر محتوای آن:

اعلان برائت از مشرکان از اهداف اصلی حج است. این برائت همواره تا روز قیامت ادامه دارد. برائت از مشرکان، از برائت از ستمگران و در رأس آنان آمریکا جدا نیست، برائت از ابرقدرتها و طاغوتها فقط یک عمل سیاسی نیست که خود عین عبادت و توحید است «که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود.» مبارزه با جنود ابلیس از اصول اولیه توحید است و اگر مسلمانان در خانه خدا اظهار برائت نکنند پس در کجا می توانند اظهار نمایند، «اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ماست و در هر زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های متناسب خود را می طلبد.» «کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکلهای و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه ای که بتخانه هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمانان و جهان سوم پیدا کرده اند، خبر نداشته باشد...»؛ «در آن فضا و شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است».

رسالت مسجد جمعه و جماعات. مساجد بهترین سنگر و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکیل و بیان مصالح مسلمین می باشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته اند... ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیلی مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی توانند خاموش کنند. درعین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند...

عظمت اسلام، انقلاب، ایران، و ملت ایران. بخش مهمی از پیام امام در مورد رشد اسلام، در جوامع بشری از برکت انقلاب اسلامی ایران و صدور انقلاب و عظمت ملت ایران است در این زمینه فرازی چند از پیام امام استخراج کرده ام که تنها به برخی از آنها اکتفا می کنم:

... ندای اسلام براقصی بلاد جهان طنین افکنده و بیرق معنوی اسلام در اقطار و عالم به اهتزاز درآمده و چشم جهانیان به سوی کشور ولی الله الأعظم ارواحنا لمقدمه الفداء دوخته شده است. ... امروز پس از سالها، کشور عزیز اسلامی ایران، از همیشه پایدارتر و ملت عظیم آن سرفرازتر...

... ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سرکودکان در خواب به دست آورده است و با فداکاریها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است... ... اسلام، موانع بزرگ داخل و خارج محدود خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.

ملت شریف ایران، توجه داشته باشید کاری که شما مردان و زنان انجام داده اید آن قدر گرانبها و پر قیمت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده اید که سود زیستن در کنار اولیاء الله را برده اید، و در جهان، ابدی شده اید، و دنیا بر شما رشک خواهد برد، خوشا به حالان.

... و مردم کار آزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یگه و تنها و مظلومانه، بر مشکلات بسیاری از طرحها و عملیات و بسیج و آموزش نیروها، تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فایق آمده اند...

... و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی دانشگاهها و حوزه ها، و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری، تا قوه مجریه که دست اندرکار حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ در حالت جنگ و جهاد و با جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است...

... زایران محترم کشور ایران، ارزش دستاوردهای معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را

در برخورد با سایر مسلمانان بهتر درک می‌کنند...

... و از تحولی که در جوانان و اقشار دیگر ملت به وجود آمده است، و آنان را به بهشت صلابت و عفت و حیا و شرافت و آزادی و جهاد، رهنمون شده‌اند، خدا را سپاس می‌گذارند.

جنگ تحمیلی و صلح تحمیلی: سخن امام، در این مورد طولانی است. علل جنگ و ستیز عراق و ابرقدرتها با ما و ترس و وحشت آنان از ما تجزیه و تحلیل گردیده است و در یک کلام، جهانخواران از اسلام راستین وحشت دارند زیرا دنیای آنان را که به قیمت ستم بر محرومان به دست آورده‌اند، از دست آنان می‌گیرد. امام کشتار خونین جوانان ما را در میدانهای نبرد دنباله همان کشتارهای همگانی زمان شاه می‌داند، و همه را از آمریکای جنایتکار، و در هر حال جنگ را در رأس امور کشور دانسته است:

از آن جا که جنگ در رأس امور و برنامه‌های کشور ماست جهانخواران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و روبه زوال عقلیان تلاش گسترده‌ای را در جهت مشوش ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته‌اند.

دنیا از آغاز جنگ تا کنون و در تمام مراحل دفاعی ما هیچ گاه با زبان عدالت و بی طرفی با ما سخنی نگفته است...

آن روزی که صدام اولین جرقه و شعله‌های آتش جنگ را در خرمن امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت هیچ کس از این مدعیان صلح، جلوی آتش افروزی او را نگرفت...

... جرم واقعی ما از دید جهانخواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت اسلامی به جای نظام طاغوت ستم شاهی است...

... ولی چه کسی است که نداند شاه نوکر و مأمور آمریکا، و تمامی شهیدان و عزیزان ما خونبها و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی، از ایران گرفته شدند... و تا توانست انتقام آمریکا را از اسلام و مسلمین گرفت، ولی کارگزار اصلی ماجرا یعنی خود آمریکا در پشت صحنه باقی مانده بود. آمریکا از اسلام راستین می‌ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل، واهمه داشت... دوباره آمریکا همان تیغی را که به دست محمدرضا خان سپرده بود در کف صدام، این زنگی مست نهاد. صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری را که شاه، قبل از انقلاب انجام داده بود انجام نداد؟ شاه قبرستانهای ما را از سروهای بلند آزادی پرسیخت؟ و آیا صدام... غیر از این کرد؟

... اندیشه کنند که ما در مسیر چه اهداف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته‌ایم...

... و هم اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده‌ایم و قدمهای آخرمان را برمی داریم و صدای

ناآشنای صلح طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان، به گوش می رسد، و در جهان غوغا به راه انداخته اند و عزا و ماتم صلح طلبی بر پا نموده اند و مدافع آزادی و امنیت انسانها شده اند...

راستی چه شده است که استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا این قدر طرفدار ملتها شده است؟ و جنگ افروزان و آتش بیاران معرکه ها و جلادان قرن، به شریف انسانیت، و همزیستی مسالمت آمیزی اعتقاد پیدا کرده اند؟... آیا این حقیقت است یا فریب... روزی سکوت را مصلحت خویش می دید و امروز صلح طلبی را؟

... کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فدا کردن هزاران قربانی بزرگ، از نبرد با دشمن روبه احتضار مکتب و جامعه و کشور خود چشمپوشی نموده و به او مهلت و توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟

هشدار به آمریکا و کشورهای خلیج فارس

... و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرتهای شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و شوروی هشدار می دهم و آنان را از دخالت و ماجرایی و تصمیمات عجولانه بر حذر می دارم... من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می کنم که به خاطریک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی، اقتصادی، بیش از این، خود و مردم کشورشان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن آمریکا، ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود، مدد نطلبید.

سیاست ایران در خلیج فارس البته سیاست ما در مورد خلیج فارس از اول تا کنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران، به امنیت در خلیج فارس اهمیت زیادی می دهد و به همین دلیل و علی رغم فراهم بودن همه امکانات دریایی و هوایی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدمه وارد کردن به کشتیها و نفتکشها... تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است...

و حتماً آمریکا باید به این نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس صرفاً یک آزمایش نیست که یک دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی می کنیم مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران، عزم خود را جزم کنند تا دندانهای آمریکا را در دهانش خورده کنند.

تصمیم بر ادامه جنگ تا پیروزی: به هر حال اصرار ما در ادامه نبرد، تا رفتن صدام و حزب

کثیف عراق و رسیدن به شرایط برحق و عادلانه دیگرمان، یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخطی نمی‌کنیم...

...ورها کردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ، در نیمه راه پیروزی خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست لذا تب جنگ در کشورما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست، و ان شاءالله تا رسیدن به این هدف فاصله چندانی نمانده است... و از جنگ کردن خسته نمی‌شویم... به خاک دیگران نظر نداریم... از اول جنگ به صراحت اعلام کرده‌ایم که ایران حتی به یک وجب از خاک عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم گیریه و انتخاب حکومت خود آزادند...

انسجام و وحدت مسئولان در مورد جنگ: ممکن است... احیاناً آنها که خارج از مرزها نشسته‌اند. باورشان بیاید که مردم و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده‌اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است. و حال آن که به لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامی ما اختلافی بر سر مواضع اصولی سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصممند تا توحید ناب را در بین ملل اسلامی پیاده نموده و سرِ خصم را به سنگ بکوبانند، تا در آینده‌ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند...

مقام روحانیت و وظائف آن: در پایان، می‌رسیم به سهمی را که امام، در پیام خود برای روحانیت و تأثیر آن در حفظ اسلام و انقلاب اسلامی قایل شده است. امام، بر نفوذ معنوی روحانیت در جامعه اسلامی و تأثیر آن در رهبری عقیدتی سیاسی مردم انگشت نهاده است و سر آن را در وارستگی و تقوی و پشت پا زدن آنان به ظواهر مادی و لذات دنیوی می‌داند:

تعجب است که چگونه بسیاری از علما و روحانیون کشورهای اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است، غافلند. و عطش ملتها را درک نمی‌کنند...

... علما و خطباء و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی، با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می‌توانند دنیاراد رقیضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند...

... من مجدداً تأکید می‌کنم که دنیا امروز تشنه حقایق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر علما و روحانیون تمام گردیده است.

... چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه‌ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیه کردنه‌ای بی مورد مانده است؟... علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند کار از کار می‌گذرد.

... مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابرستم ستمکاران و ظلم حنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟

مگر نه این است که علما، حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و روشنفکران و محققان، به داداسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است، نجات دهند...

... و آمریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام، و عزم جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید...

... متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارایی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاستهای بین المللی بی خبر هستند، و متأثر از القاءات و برداشتهای مادی. تصور می کنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی و پیشرفتهای مادی، نفوذ روحانیت کم شده است و نعوذ بالله اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است! که به حمدالله پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت خلاف این تصورات را ثابت نمود...

... که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا نموده است و با دخالت در مهمترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان، توانسته است قدرت و مدیریت روحانیت اسلام را به نمایش بگذارد. ... و اتمام حجتی برای همه قایلین به سکوت و سازشکاران بی تعهد و علم فروشان بی عمل...

ساده زیستن روحانیت: و آخرین نکته ای که در این جا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم مسأله ساده زیستن و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است، که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره یک کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است، از زی روحانیت خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دوشان روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان، بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که الحمدلله روحانیت متعهد اسلام، امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت، بعد از این برای خدشه دار کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند، و با کمترین سوژه ای به اعتبار آنان لطمه وارد سازند که ان شاء الله موفق نمی شوند...

روحانی نماها، جاهلان متنسک و علمای درباری

امام امت خطر روحانی نماها و آخوندهای درباری حکومتهای اسلامی را همواره گوشزد می‌کند و در این پیام مهم تاریخی از این امر خطیر سکوت نفرموده است و خاطرنشان کرده که خطر این گروه در ردیف جهانخواران و منافقان است:

... که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملتها بعد از این آرام نخواهند داشت و به حیلها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند، و روحانی نماها و آخوندهای درباری، و اجیرشدگان سلاطین و ملی‌گرایان و منافقین، به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف، رومی آورند و برای خنثی سلاح مسلمانان، و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد(ص) به هرکاری دست می‌زنند.

چه بسا جاهلان متنسک بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف آرایی و رزم...

... راجع به علما و روحانیان کشورهای اسلامی... و به جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه‌انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور، و بدبین کردن مستضعفان به مسائل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقق و نشر احکام نورانی اسلام همت گمارند...

آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آورنیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام، احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاستگذاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟...

... در توصیه به علمای متعهد... و در این راستا دو چهره‌ها، و روحانی نماها و دین به دنیا فروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق‌گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امتهای اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام، سوء استفاده کنند...

روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزدور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند چرا که این بی‌خبران هستند که حکومت جائران و ظلم‌سران وابسته را توجیه، و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع، و در مواقع نژود به تفسیر و کفر مبارزان و آزادیخواهان در راه خدا، حکم می‌دهند که خداوند همه ملت‌های اسلامی

را از شره و ظلمت این نااهلان و دین فروشان نجات دهد.
 باری تجزیه و تحلیل این پیام تاریخی و این منشور انقلاب اسلامی نیاز به نوشتن یک کتاب
 دارد و در اینجا فرصت بیش از یک اشاره نیست...

محمد واعظ زاده خراسانی



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ:
 إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَهِيَ حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ، لَمْ
 تَحِلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي، وَلَا تَحِلُّ لِأَحَدٍ بَعْدِي، وَلَمْ تَحِلَّ لِي إِلَّا سَاعَةٌ مِنْ نَهَارٍ.
 «کافی، ج ۴ ص ۲۲۶»

رسول اکرم در روز فتح مکه فرمود:
 همانا خداوند مکه را در روز آفرینش آسمانها و زمین حرام کرده و حرمت نهاده و تا
 روز قیامت هم حرام است. و نه پیش از من و نه بعد از من برای کسی حلال نشده
 مگر منحصرأً برای من آن هم در ساعتی از روز.